

سر مقاله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. خداوند متعال، در کلامی گویا، هویت اصلی و مقوم ذاتی دعوت پیامبر را «بصیرت» می‌داند:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ إِنَا وَمَنِ اتَّبعَنِي» (یوسف/۱۰۸).
دینداری ای که بر این مبنای نباشد، ارزشی ندارد و خاندان نور، چنین دینداری را «کحمار الطاحونة» شناسانده‌اند. (اختصاصی، ص ۲۴۵)

این است امتیاز بزرگ دین بر غیر آن. و این است امتیاز اسلام بر ادیان دیگر. و این است راز هویت انسان و امتیازش بر دیگر آفریدگان.

۲. مهمترین عامل تفاوت میان مكتب اهل بیت علیہ السلام با دیگر مكاتب اهل قبله، پاسداشت همین آموزه آسمانی قرآن است که با عنوان هایی مانند: تفقه، تدبیر، استدلال، حکمت از آن سخن گفته‌اند و در عمل بدان فرا خوانده‌اند.

درست در همان زمانی که دیگران اعلام کردند پرسش در باب دین، بدعت و حرام است، می‌بینیم که امیر مؤمنان علیہ السلام ندای «سلونی قبل ان تفقدونی» بر می‌آورد.

دقیقا در همان روزهای صدر اسلام که یک غیر مسلمان - در باب نخستین آموزه قرآنی یعنی توحید - جرأت سؤال ندارد، در خانه اعلم امت بر روی تمام مشتاقان گشوده است. شاهد صدق آن، گزارش‌هایی که در طول تاریخ به دست ما رسیده و «کتاب الاحتجاج» ها را پدید آورده است.

چرا چنین نباشد؟ مگر آن بزرگ، «باب مدینة علم النبی» نیست؟



۳. دقائق و ظرائف پیچیده در کلمات محدود مصحف الهی، هماره یکی از عرصه‌های هماوردی خاندان نور با مدعیان بوده و هست.

امام سجاد صلوات الله عليه در دعای ۴۲ صحیفه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنْكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَىٰ نَبِيِّكَ مُحَمَّدَ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّدَ} مَجْمَلاً، وَ الْهَمْتَهُ عِلْمًا عَجَابَهُ مَكْمَلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مَفْسِرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَىٰ مِنْ جَهْلِ عِلْمِهِ، وَ قَوْيَّتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعُنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يَطْقُ حَمْلَهُ»
آن گرامیان با این علم سرشار الهی چه کردند؟ تاریخ نشان می‌دهد که با همین سرمایه خدا داد، به امر خدایشان گردن نهادند: مردم را به راه خدا فرا خواندند، به حکمت و اندرز نیکو و نیکوترين گفتمان (حل ۱۲۸).

۴. این شاخص تمام اهل بیت بود، و همین ویژگی وجه امتیاز خاندان نور با مدعیان جانشینی پیامبر رحمت بود. گاهی مجال برای این فراخوان آسمانی یافتند و گاهی نیافتند و تاریخ، مصدق «بئر معطلة» (حج ۴۵، تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵) را در وجود محدود مردانی از جنس نور شاهد بود. آنان ظلمت را بر نمی‌تافتند و خورشید وار، از ورای ابرهای تیره، شعاع‌های خود را بر نیازمندان تابانیدند.

طبعاً کمترین مجال را برای این جهاد مقدس قدر دانستند. این است که امام ابوالحسن الرضا علیه السلام در زمانی بس کوتاه (نزدیک به سه سال) که در کاخ خلیفه به نوعی شبه زندان گرفتار بود، تهدید را به فرصت بدل کرد و کاخی بلند از «حجج رضویه» بر افراشت که هیچ باد و توفانی یارای زیان رساندن بدان نیافت. حضرتش در همان زمان بس کوتاه، خوانی معنوی گسترد که پس از گذشت سده‌های دراز، همچنان دلیستگان معارف الهیه را به سوی خود فرا می‌خواند و نیازهایشان را بر می‌آورد.

۵. راه گشایی و مشکل گشایی حضرتش در تمام زمینه‌ها – چه در زمان حیات دنیایی و چه پس از آن – به اندازه‌های گسترده است و ابواب مختلف دارد که هر کسی به



نیازی آمده، با رفع نیاز بازگشته است. صدها روایت از راویان راست گفتار، در درازنای این سدها، در جای جای دنیا، پشتونه این مدعای است.

اما در این میان، گره‌گشایی‌های علمی و عقائدی حکایتی دیگر است و حلاوتی دیگر دارد. این خاندان، خود به ما آموخته‌اند که: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يَعْلَمَ الْمَرءُ عِلْمًا ثُمَّ يُعَلَّمُهُ أَخَاهُ» (بخار الانوار ج ۲ ص ۲۵) و خود، میراث علمی را یکی از بارزترین مصاديق «باقیات صالحات» شناسانده‌اند (منیه المرید، ص ۱۰۳). آنان خود به همین آموزه توجه دارند و حتی کمترین لحظه‌ای را برای این مهم مغتنم می‌دانند.

۶. مشکل در اینجا است که حل نیازهای آنی فوری دنیایی به دست گره‌گشای حجت خدا، بیش از گره‌گشایی اندیشگی ذهن‌های تشنی، برای ما مهم نماید؛ یعنی که بارش باران سخاوت مادی حضرتش را بیش از زلال آسمانی حکمت‌های الهی بر کویر دلها، فرادید آوریم و این جهاد مقدس علمی را چندان جلدی نگیریم.

البته همان گره‌گشایی دنیایی نیز ارزشمند است، ولی کیست که ارزش هدایت و حیانی را بفهمد و مدرسانی دنیایی را بیش از آن ارج نهد؟ این واقعیتی است که در مرور سیره امام رضا علیه السلام - همچون موارد دیگر - تجلی «قدرت الهی» بیش از جلوه «علم الهی» به چشم‌ها می‌آید.

۷. برای بازیابی جلوه‌های علم الهی در سیمای حجت هشتم صلوات الله عليه، به پژوهش‌های رضوی نیاز داریم. تبیین جایگاه حضرتش در برابر مدعیان، در این روزگار و هر زمان، ضرورتی است گریزنایپذیر که استوارترین برهان بر حجتیت حجت خدا است. تشریح باطل السحر رضوی در برابر چشم‌بندی‌های اندیشه‌نمای گروه‌ها و فرقه‌های مختلف، همواره باید در کانون توجه ما باشد. حضرتش با سلاح واژه به جنگ

نیرنگ‌های هزار رنگ آنان رفت و این حقیقت را به خوبی نشان داد که: «کلمة الله هي العلیا» (توبه / ۴۰).

در کلمات آن گرامی، چه نوری جلوه می‌کند که فردا چون امروز و دیروز، پرده‌های ضخیم ضلالت و ظلمت را می‌شکافد و به راه جویان راه می‌نماید؟

این است بایسته‌ای ناگزیر که ما را به گام نهادن در وادی پژوهش‌های رضوی کشانید.

۸. در سالهای اخیر، توجهی مبارک به این مهم شده است. نشست‌هایی پژوهشی نه تنها در کلیت حجج رضوی، بلکه در موضوعات فرعی‌تر مانند حدیث سلسلة الذهب و ادعیه رضویه، طبیعه‌ای خجسته است که فضایی نورانی از تبیین‌های رضوی را نوید می‌دهد. هر برنامه‌ای از این دست، افرادی تازه نفس از سپاه خردورزی رضوی را به میدان اندیشه می‌کشاند تا در این آوردگاه، صحنه‌هایی شکوهمند و دیدنی از جدال ضلالت و هدایت را شاهد باشیم.

اما آن همه حقایق و لایه‌های پنهان آنها کجا و این تلاش‌های اندک کجا؟ شایسته است به گستره جهانی بیندیشیم که سامری‌های کوچک و بزرگ، گوساله‌های خود را به میدان آورده‌اند و هر یک گروهی از افراد را دور خود گرد آورده‌اند. آنگاه به تلاش محلی خود بنگریم با دامنه کوتاه و محدود؛ سپس جایگاه خود را واقع بینانه‌تر ببینیم؛ نه از خود نومید شویم و نه به خود دلخوش باشیم. بلکه خالصانه و صادقانه پای در راه فشاریم و میدان جهاد علمی را خالی نگذاریم.

۹. فصلنامه سفینه با همکاری مخلصانه کتابخانه تخصصی امام رضا علیه السلام (قم) – که به مدیریت محقق گرامی جناب محسن صادقی اداره می‌شود – با احساس همین ضرورت ناگزیر، پای در راهی نهاده‌اند که از پیش به خود می‌گویند:

این وادی ای است سخت، بدبو بر، منه قدم

این لجه‌ای است ژرف، بدبو در ، مکن شنا

ولی انگیزه نیاز و ضرورت، ما را واداشت تا برگهایی از کتاب قطور حجج رضوی را به پیشگاه اهل نظر پیشکش آریم و عذر تقصیر بخواهیم و به خود بگوییم که:
دشت سخن وسیع و سمند تو ناتوان بام سخن بلند و کمند تو نارسا



اینک چند گفتار در آستان بلند رضوی در این شماره – و اگر خدا بخواهد، دو شماره دیگر – تقدیم می‌شود؛ باشد که به هدایت جویان راه نماید و رهروان را هدایت افزاید. باشد که قدمی در جهت عمل به آموزه بلند رضوی برداریم که فرمود: «رحم الله عبداً أحيا امرنا» (عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۳۰۷).

۱۰. در این آشفته بازار جهانی تیره و بس آلوده، چشم امید ما به آستان بلند مهدوی است که در آستان آسمان سای او، به تعلیم رضوی در پیشگاه الهی می‌خوانیم:
«اللهم اسلک بنا علی یديه منهاج الهدی و المحجة العظمی و الطريقة الوسطی، التي يرجع اليها الغالی و يلحق بها التالی». و قولهما على طاعته و ثبتنا على مشاعته و امنن علينا بمتابعته» (صبح المتهجد، ج ۱ ص ۴۱۱). سرمایه ما، اجابت همین دعا است تا آرمانهای رضوی را در سلوک راه مهدوی شاهد باشیم. آمين.